
جمال میرصادقی

عناصر داستان

- ادبیات داستانی ● داستان ● پیرنگ
- شخصیت ● حقیقت ماندی ● درونمایه
- موضوع ● زاویه دید ● صحنه ● گفت و گو
- سبک ● لحن ● تضاد رنگ ● نماد و نمادگرایی

با تجدید نظر کامل

و افزوده‌ها



ISBN 978 - 964 - 372 - 523 - 5

میرصادقی، جمال، ۱۳۱۲ -

عناصر داستان: ادبیات داستانی، داستان... / جمال میرصادقی، - [ویرایش ۳] - [تهران]:
سخن، ۱۳۷۶.
۶۲۵ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۶۲۸] - ۶۳۵.

چاپ چهارم: ۱۳۷۹.

۱. داستان‌نویسی. الف. عنوان.

۸۰۸/۳ PIR ۳۳۵۵ / م ۹ ع ۹

۱۳۷۶

۴۲۶۲ - ۷۶ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،
خیابان وحید نظری شماره ۴۸
فکس ۶۶۴۴۳۸۷۵
www.sokhanpub.com
Email: info@sokhanpub.com

عناصر داستان

جمال میرصادقی

چاپ هفتم: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

لینوگرافی: صدف

جایگاه: گلرنگ پکتا

شابک ۸-۵۲۲-۳۷۲-۹۶۴-۹۷۸

مرکز بخش: انتشارات علمی - خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران

شماره ۱۲۲۴ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰-۶۶۴۶۰۶۶۷

عناصر داستان

۹	یادداشت
۱۳	سرآغاز
۱۹	بخش اول: ادبیات داستانی
۲۲	قصه
۲۲	رمانس
۲۳	رمان
۲۴	داستان کوتاه
۲۶	انواع داستان کوتاه
۲۹	بخش دوم: داستان یا روایت خلاصه
۳۲	تعریف داستان
۳۴	داستان چیست
۳۷	داستان برای چیست
۴۸	قصهٔ مرد محترم
۵۹	بخش سوم: پیرنگ، الگوی حادثه
۶۲	تعریف پیرنگ
۶۶	تفاوت پیرنگ با داستان
۷۳	انواع کشمکش
۷۹	پیرنگ بسته، پیرنگ باز
۸۱	بخش چهارم: شخصیت و شخصیت‌پردازی
۸۳	تعریف شخصیت
۸۷	شیوه‌های شخصیت‌پردازی
۹۳	شخصیت ایستا، شخصیت پویا
۹۶	انواع شخصیت
۹۶	۱- شخصیت‌های قالبی
۹۹	۲- شخصیت‌های قراردادی

۱۰۱	۳- شخصیت‌های نوعی
۱۰۴	۴- شخصیت‌های تمثیلی
۱۰۴	۵- شخصیت‌های نمادین
۱۰۴	تعریف تمثیل
۱۰۵	تفاوت تمثیل با نماد
۱۱۰	۶- شخصیت‌های همه‌جانبه
۱۱۶	رینگ لاردنر
۱۱۷	سلمانی
۱۳۶	تفسیر داستان سلمانی
۱۳۹	بخش پنجم: حقیقت‌مانندی یا معیار سنجش داستان
۱۴۳	تعریف حقیقت‌مانندی
۱۴۴	حقیقت‌مانندی داستان‌های واقع‌گرا (رئالیستی)
۱۵۴	حقیقت‌مانندی داستان‌های خیال و وهم (فانتزی)
۱۶۰	حقیقت‌مانندی قصه‌ها
۱۶۳	قصه تباش
۱۷۱	بخش ششم: درونمایه یا مضمون
۱۷۴	تعریف درونمایه
۱۷۴	انواع درونمایه
۱۸۲	نحوه ارائه درونمایه
۱۸۶	شروود اندرسن
۱۸۷	می‌خواهم بدانم چرا
۲۰۳	تفسیر داستان می‌خواهم بدانم چرا
۲۱۵	بخش هفتم: موضوع یا قلمرو خلافت
۲۱۷	تعریف موضوع
۲۱۸	۹- داستان‌های حادثه‌پردازانه
۲۲۰	تعریف لطیفه
۲۲۱	الف: داستان‌های حادثه‌پردازانه نام
۲۲۲	ب: داستان‌های لطیفه‌وار

۲۲۴	تعریف داستان لطیفه‌وار
۲۳۱	قصهٔ لطیفه‌وار: مُطَهَّر پسر احمد
۲۳۷	ویلیام سامرست موام
۲۳۹	داستان کوتاه لطیفه‌وار: آقای همه‌چیزدان
۲۵۱	ج: داستان‌های لطیفه‌وار تپیک
۲۵۴	تقسیم عمر
۲۵۷	شادی
۲۶۱	تقسیم داستان شادی
۲۶۳	۲- داستان‌های واقعی
۲۶۹	فرانک اوکانر
۲۷۰	عقدۀ ادیب من
۲۸۸	۳- داستان‌های وهمناک
۲۹۵	ادگار آلن پو
۲۹۷	قلب رازگو
۳۰۷	۴- داستان‌های خیال و وهم (فانتزی)
۳۰۹	الف: داستان‌های علمی
۳۱۲	سلطه
۳۴۰	ب: داستان‌های تمثیلی
۳۴۳	هانس کریستین آندرسن
۳۴۶	داستان مادر
۳۵۳	ج: داستان‌های نمادین و سوررئالیستی
۳۵۷	به تماشای شکوفه‌ها
۳۶۶	۵- داستان‌های واقع‌گرایی جادویی
۳۷۲	گابریل گارسیا مارکز
۳۷۶	کسی که گل‌های رز را در هم ریخت
۳۸۳	بخش هشتم: زاویهٔ دید یا زاویهٔ روایت
۳۸۸	۱- زاویهٔ دید درونی
۳۹۱	۲- زاویهٔ دید بیرونی

تقسیم داستان از لحاظ زاویه دید آن‌ها به پنج گروه	۳۹۴
۱: من روایتی	۳۹۴
۲: دانای کل	۳۹۵
زاویه دید دانای کل محدود	۳۹۹
زاویه دید نمایشی	۴۰۱
۳: روایت نامه‌ای	۴۰۴
۴: روایت یادداشت‌گونه	۴۰۸
۵: تک‌گویی	۴۱۰
الف: تک‌گویی درونی	۴۱۱
ب: تک‌گویی نمایشی	۴۱۴
ج: حدیث نفس یا خودگویی	۴۱۷
صحنه فراخ‌منظر و صحنه نمایشی	۴۱۹
فاصله هنرمندانه	۴۲۴
۴-زاویه دید در قصه‌های فارسی	۴۲۸
قصه اول: امیر ترک	۴۳۰
قصه دوم: درزی‌گر مؤذن	۴۳۹
بخش نهم: صحنه و صحنه‌پردازی	۴۴۵
تعریف صحنه	۴۴۹
وظایف صحنه	۴۵۱
اجزای صحنه	۴۵۳
شیوه صحنه‌پردازی	۴۵۴
بخش دهم: گفت‌وگو در داستان	۴۶۱
تعریف گفت‌وگو	۴۶۶
ویژگی‌های گفت‌وگو در شاهکارهای ادبی	۴۷۱
سیاق گفت‌وگو	۴۷۳
کوچه بن‌بست	۴۸۲
تک‌گویی در قصه	۴۹۵
اطعام عام	۴۹۶

۴۹۹	بخش یازدهم: سبک یا شیوه نگارش
۵۰۶	تعریف سبک
۵۱۱	نمونه‌های سبک
۵۱۹	بخش دوازدهم: لحن و لحن‌پردازی
۵۲۳	تعریف لحن
۵۲۷	بخش سیزدهم: فضا و رنگ یا فضاسازی در داستان
۵۳۱	تعریف فضا و رنگ
۵۴۱	بخش چهاردهم: نماد و نمادگرایی در داستان
۵۴۴	تعریف نماد
۵۴۵	نمادهای عمده
۵۴۷	داستان نمادگرا چگونه داستانی است؟
۵۵۲	مشخصات داستان نمادین
۵۶۰	جیمز استیفنس
۵۶۱	آرزو
۵۷۳	تفسیر داستان آرزو
۵۷۷	نمونه‌ای از قصه‌های نمادین
۵۷۸	قصه درودگر و زرگر و... و مخاصمت ایشان
۵۸۹	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی
۶۱۳	فهرست اعلام
۶۱۵	فهرست نام اشخاص
۶۲۱	فهرست نام کتاب‌ها
۶۲۷	کتابنامه فارسی
۶۳۳	کتابنامه انگلیسی

یادداشت

در جهان امروز، شناخت و بررسی ادبیات یا ادبیات تخیلی هر روز بُعد گسترده تری می یابد و از آن به عنوان دانش نو و معتبری نام می برند و موازین و اصول آن را در کالج ها و دانشگاه ها به دانشجویان می آموزند، زیرا هر روز به قدرت نفوذ و تأثیر بنیادی «ادبیات تخیلی» در تحول و تکامل جامعه بشری بیشتر پی می برند. از طریق ادبیات تخیلی است که می توانند معنویت و فرهنگ دلخواه را اشاعه دهند و میراث های ارزنده قومی و ملی را حفظ کنند.

آثار بازمانده از اقوام و ملت ها ثابت کرده است که ادبیات تخیلی توانسته از گزند و تاراج روزگار محفوظ بماند، حال آنکه آثار اخلاقی و رساله های تبلیغی اغلب از میان رفته و جز استثناهایی از آن ها چیزی به ما نرسیده است. از این نظر ماهیت معنوی و فرهنگی ملت ها غالباً از طریق آثار خلافت آن ها به ما منتقل شده است و از رهگذر چنین آثاری است که ما از سنت ها و فرهنگ های قومی و ملی کشورها و ملت ها آگاه می شویم و احیاناً تحت تأثیر مفاهیم فرهنگی و فلسفی آن ها قرار می گیریم، آثاری چون گیلگمش و ایلیاد و ادیسه و نمایشنامه های تراژدی و کمدی یونان باستان، نمونه های روشنی است بر این نظر.

بنابراین اگر بخواهیم دوام فرهنگ و معنویت قومی و ملی خودمان را تضمین کنیم، باید برای ادبیات تخیلی کشور خودمان بیشتر ارج و اعتبار قابل شویم و به ماهیت و کیفیت آن بیشتر توجه کنیم. بی توجهی و بی رغبتی معمول و مزمن نسبت به شناخت ماهیت ادبیات یا ادبیات تخیلی موجب شده است چیزی که در اغلب دانشکده‌های ما به عنوان ادبیات درس داده می‌شود، ادبیات تخیلی نباشد، همین امر لطمه‌ای جبران‌ناپذیر از نظر معنوی و فرهنگی به ما زده و می‌زند. در این کتاب کوشیده‌ام تا حد امکان به بررسی و شناخت ادبیات تخیلی بپردازم و عناصر آن را جداگانه مورد ارزیابی و مطالعه قرار دهم، البته در این کتاب بیشتر تأکید بر ادبیات داستانی است، یعنی به آثاری که جنبه روایتی دارد، بیشتر پرداخته شده، اما عناصری که برای ادبیات داستانی عنوان شده، اغلب دربرگیرنده بخش دیگر ادبیات تخیلی یعنی ادبیات نمایشی نیز می‌شود.

عناصر داستان اولین بار در سال ۱۳۶۴ انتشار یافت و چاپ دوم آن با تصحیح غلط‌های چاپ اول بی تغییری در متن، با افزودن «کتابنامه» در سال ۱۳۶۷ منتشر شد.

چاپ تازه عناصر داستان که در واقع چاپ سوم آن است، به دلایلی نیاز به حروفچینی تازه‌ای پیدا کرد. همین امر فرصتی به من داد که تجدید نظری اساسی و ضروری در کل کتاب بکنم و بخشی به آن بیفزایم و بخش‌های دیگر را نیز مورد تجدید نظر کامل قرار بدهم و مطالبی درخور و لازم به آن‌ها اضافه کنم. به همین دلیل متجاوز از دویست صفحه بر حجم کتاب اضافه شد و کتاب کامل‌تر و گسترش‌یافته‌تر و بی‌نقص‌تر از چاپ‌های قبلی درآمد. اما اگر ادعا کنم که کتاب در هیأت کنونیش از نقص‌ها و لغزش‌ها به کلی پاک شده است، سخنی نسنجیده گفته‌ام، زیرا

آثار نظری و پژوهشی‌ای چون عناصر داستان باید بارها و بارها محک تجربه بخورد تا بی‌نقصی و کارآیی واقعی آن ظاهر شود. امیدوارم با نظریات خوانندگان علاقمند و دوستان عزیز که همیشه مشوق راستین من بوده‌اند، چاپ‌های بعدی کامل‌تر و پالوده‌تر انتشار یابد.

آبان ۱۳۶۹

از تاریخ تجدید نظر نخستین این کتاب تاکنون حدود چهار - پنج سالی می‌گذرد. بعد از آن این کتاب بارها و بارها دوباره تنقیح و تصحیح شده و مورد بررسی قرار گرفته و تازه‌ترین نظریات درباره داستان و عناصرش به آن افزوده شده است. آخرین بار ماه گذشته، باز هم با دقت آن را خواندم و تغییرات آخر را به آن دادم، سخن کوتاه، این کتاب جان مرا گرفته است.

تیرماه ۱۳۷۴

این نوباوه، فرزند خلیف کتاب قصه، داستان کوتاه، رمان^۱ است. داستان تولدش چنین بود که خواستم مطالبی به آن کتاب بیفزایم و احیاناً کمبودهای آن را برطرف کنم و دچار اشکال شدم، زیرا که قصه، داستان کوتاه، رمان در شناخت و جستار «ادبیات داستانی» بود و مطالب کتاب در تعریف و توضیح اجزای آن، همین امر، مرا بر آن داشت که به فکر کتاب دیگری بیفتم و نتیجه‌اش همین کتاب عناصر داستان شد.

از میان اجزای متنوع داستان، آن‌هایی را که مهم‌تر تشخیص دادم، انتخاب کردم و برای هر کدامشان شاهدها و مثال‌هایی پیدا کردم. این شاهدها و مثال‌ها را غالباً از ادبیات داستانی خودمان - از قصه‌های قدیمی و داستان‌های امروزی نویسندگان معاصر - و چند مورد نیز به ناچار از دیگران آوردم تا خوانندگان تنها با قوانین بی‌روح و خشک روبه‌رو نباشند و مصداق‌های درست و روشنی از آن‌ها را نیز پیش چشم داشته باشند.

البته این عناصر ممکن است در داستان‌نویسی امروز، آن کاربرد حتمی و قطعی گذشته را نداشته باشد و بعضی از نویسندگان اهمیتی که داستان‌نویسان گذشته برای آن‌ها قائل بودند، به آن‌ها ندهند و در

آثارشان تأکیدی بر همه این عناصر نداشته باشند، اما واقعیت امر این است که در داستان نویسی امروز، اگر عنصری مورد بی توجهی قرار گیرد، عنصر دیگری جانشین آن می شود. چنین نیست که عنصری به کلی ساقط شود و به جای آن، عنصر دیگری نیاید، مثلاً اگر عنصر «پیرنگ» که در داستان نویسی گذشته از ارزش و اعتبار بسیاری برخوردار بود، امروز احیاناً مورد بی توجهی قرار گیرد، عنصر دیگری چون «لحن»، «فضا و رنگ»، «حقیقت ماندی» یا مفهوم جنبی روشنفکرانه و نمادینی به جای آن می نشیند و این جا به جایی فقدان آن را توجیه می کند یا کیفیت شعرگونه و نثر شاعرانه در داستان نویسی امروز، اغلب جانشین بعضی از عناصر مرسوم داستان نویسی می شود و نبود آن ها را جبران می کند، چنانکه در یولیسز جیمز جویس چنین عملی انجام گرفته است. بنابراین عناصر مرسوم ادبیات داستانی، کمابیش هنوز به قدرت و اهمیت خود باقی است و نویسندگانی که بازیرپا گذاشتن این عناصر، آثار به نسبت خوب و موفقیتی به وجود آورده اند، انگشت شمارند.

در ارزش و اهمیت این عناصر همین بس که گفته شود که در کشورهای که هنوز هم شاهکارهای داستانی از آن جاها برمی خیزد، آموختن فنون داستان نویسی از دبیرستان شروع می شود. من کتاب های بسیاری دیده ام که برای مدرسه ها و دانشکده های مختلف در این زمینه نوشته شده. در مملکت ما تعداد چنین کتاب هایی از انگشت های دست کم تر است.

نویسندگان بزرگ در شاهکارهای خود به عناصر داستان توجه بسیار داشته اند و تا حد امکان از قواعد و ضوابط آن ها پیروی کرده اند. البته من عقیده ندارم که پیروی از این قواعد و فنون شاهکار می آفریند یا فراگیری آن ها آدم را نویسنده می کند. نه، چنین تصویری درست نیست اما

از آن در نظر داشته‌ام، وقتی از «قصه» صحبت می‌کنم انواع آن یعنی حکایت، حکایت اخلاقی^۱، افسانه^۲ و افسانه تمثیلی^۳، اسطوره^۴ و... مورد نظرم است. این انواع گرچه هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارد، در کل خصوصیت‌ها و خصیصه‌هایش با «قصه» مشترک است. وقتی از ادبیات^۵ سخن به میان می‌آید، منظورم ادبیات به معنای خاص آن یعنی ادبیات تخیلی^۶ است که معیار سنجشی است برای شناسایی آثار برجسته و ممتاز از نوشته‌های مردود و معیوب و ژورنالیستی؛ به عبارت دیگر وقتی گفته می‌شود این اثر «ادبیات» نیست، منظور آن است که از نظر هنری فاقد ارزش و اعتبار است و از کیفیت شکوهمندی که معیار شناخت ادبیات از غیر ادبیات است، بی‌بهره است.

بی‌هیچ تردید این کتاب نقص‌ها و اشکال‌های فراوانی دارد. امیدوارم با تذکر خوانندگان و دوستان در چاپ‌های بعدی بی‌نقص‌تر شود.

اسفند ۱۳۶۳

1 : Parable.

3 : Fable.

5 : Literature.

2 : Legend.

4 : Myth.

6 : Imaginative Literature.